

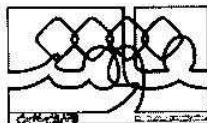


بررسی سیاست خارجی امریکا در افغانستان

مقایسه دوران بوش و اوباما (۲۰۰۱ - ۲۰۱۵)



حمید ناصری



نشر مقاومت



سرشناسه: ناصری، سعید، ۱۳۶۰ -

عنوان و نام پدیدآور: بررسی سیاست خارجی امریکا در افغانستان: مقایسه دوران بوش و اوباما (۲۰۱۵ - ۲۰۰۱) / نویسنده: سعید ناصری؛ تهیه‌کننده: موسسه فرهنگی هنری صبح دانش؛ ناظر علمی: محمدحسین شیخ‌الاسلامی.

مشخصات نشر: شهرکرد: نشر معا، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص؛

شابک: ۱۴۰۰۰۰ ریال: ۶-۳-۹۵۴۸۷-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

عنوان دیگر: مقایسه دوران بوش و اوباما (۲۰۱۵ - ۲۰۰۱).

موضوع: ایالات متحده -- روابط خارجی -- افغانستان

موضوع: افغانستان -- روابط خارجی -- ایالات متحده

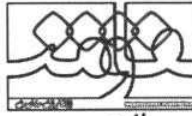
شناسه افزوده: موسسه فرهنگی، هنری صبح امید دانش

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ب۷/الف/۸/۱۸۳E

رده بندی دیویی: ۳۲۷/۱۲۷۳۰۵۸۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۵۳۲۹۴





نشریات



بررسی سیاست خارجی آمریکا در افغانستان

مقایسه دوران بوش و اوباما (۲۰۱۵ - ۲۰۰۱)



نویسنده: سعید ناصری

بیه کننده: موسسه فرهنگی هنری صبح امید دانش

ترجمه: دکتر محمدحسن شیخ الاسلامی

طراحی و نهایی: محسن مطلبی جوقفانی

صفحه آرای: علیرضا شکوهی زاده

طراح جلد: حامد مهدی مطلبی



چاپ: اسرا * نوبت چاپ: اول * تاریخ چاپ: زمستان ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ * قیمت: ۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۸۷-۳-۶



مراکز پخش:

تهران، خیابان انقلاب، بین دانشگاه و فخر رازی، فروشگاه کتاب کیهان

۰۲۱-۶۶۴۰۳۴۷۹-۶۶۴۶۹۴۷۵

قم، خیابان دورشهر، نبش کوچه ۳، پلاک ۸۱، فروشگاه زمزم هدایت

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۳۰۷۳۵، همراه: ۰۹۱۲۸۷۲۸۲۵۳

۰۹۱۹۵۸۸۰۰۳۵



فهرست مطالب

فصل اول - کلیات پژوهش

۱۴	مقدمه ناشر
۲۱	الف - مقدمه
۲۷	ب - تعریف مفاهیم
۲۷	۱.نومحافظه کاران
۲۸	۲. یک جانبه گرایان
۳۰	۳. چند جانبه گرایی
۳۰	۴. تروریسم
۳۱	۵. جنگ پیش گیرانه
۳۱	۶. بنیان‌های ثابت در سیاست خارجی آمریکا
۳۲	۷. طالبان
۳۴	۸. دیپلماسی عمومی
۳۵	۹. قدرت هوشمند
۳۸	منابع فصل اول

فصل دوم - سیاست خارجی ایالات متحده

۴۱	الف -مقدمه
۴۳	ب- اصول سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا

- ۴۴ ۱- مکتب هامیلتونیسیم
- ۴۴ ۱-۱- اعتقاد به اصل تعادل قوا در اروپا و پیگیری مصرانه آن
- ۴۴ ۱-۲- تأکید بر ارزش‌های آمریکایی به جای منافع آمریکا در خارج از کشور
- ۴۶ ۱-۳- مکتب هامیلتونی آمریکا را یک آرمان نجات‌بخش تلقی می‌کند
- ۴۶ ۲- مکتب جکسونیسیم
- ۴۷ ۱-۱- منافع ملی، سکان‌دار سیاست و روابط خارجی آمریکا
- ۴۷ ۱-۲- حفظ و گسترش موقعیت آمریکا به عنوان یک ابرقدرت
- ۴۸ ۲-۳- امنیت ارزش‌های آمریکایی
- ۴۸ ۳- مکتب ویلسونیسیم
- ۴۹ ۳-۱- هدف از جنگ، ازسازی جهان مطابق با الگوی آمریکایی
- ۴۹ ۳-۲- دگرگونی در نظام جهانی
- ۴۹ ۳-۳- محوریت ارزش‌های آمریکایی
- ۵۰ ۳-۴- تقابل دموکراسی و جنگ
- ۵۱ ج- دکترین‌های آمریکا در روابط خارجی
- ۵۱ ۱- دکترین مونروئه
- ۵۲ ۲- دکترین روزولت
- ۵۳ ۳- دکترین ترومن
- ۵۴ ۴- دکترین آیزنهاور

- ۵۵- دکترین نیکسون
- ۵۷- دکترین کارتر
- ۵۹- دکترین ریگان
- ۶۱- دکترین جورج بوش
- ۶۲- دکتر بن جورج دبلیو بوش
- ۶۳- دکترین اوباما
- ۶۹- تدوین سیاست خارجی آمریکا
- ۷۰- ریاست جمهوری
- ۷۰- کنگره
- ۷۱- نظام انتخاباتی آمریکا
- ۷۲- دستگاه بوروکراسی
- ۷۳- وجود نظام دوحزبی
- ۷۴- متغیرهای مؤثر بر تدوین سیاست خارجی آمریکا
- ۷۵- ۱- نهادها و گروه‌های تولید فکر در سیاست خارجی آمریکا
- ۷۶- ۲- نقش محافل فکری در سیاست خارجی آمریکا
- ۸۰- و- لابی اسرائیل
- ۸۲- ۱- نقش لابی اسرائیل در سیاست خارجی آمریکا
- ۸۳- ۲- نقش لابی در سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه

فصل سوم - سیاست جرج دبلیو بوش در افغانستان

ب- سیاست خارجی آمریکا در افغانستان قبل از دخالت نظامی شوروی

ج- سیاست خارجی آمریکا در زمان حضور نظامی شوروی

د-روابط آمریکا و دولت مجاهدین؛ اتحاد شکننده

۱-دوره کرتا مبدی: کود سیاست آمریکا در افغانستان

ه- روابط واشنگتن و کابل در دوره ۵ ساله طالبان؛

و- روابط آمریکا و افغانستان؛ سیاست طالبان

ز-حمله پیشگیرانه، حمله پیشدستان

۱- استراتژی آمریکا؛ جنگ پیشگیرانه

ح- مبانی تطبیقی طرح خاورمیانه بزرگ در افغانستان

۱- طرح خاورمیانه بزرگ

۲- حمله به افغانستان؛ جنگ علیه تروریسم

۳- اهداف حمله به افغانستان

۴- پیشنهادات طالبان برای جلوگیری از شروع جنگ

ط- جنگ علیه تروریسم؛ گذار از یکجانبه گرایی به چند جانبه گرایی

- ۱۲۶ ی- ریشه های ناکامی دولت بوش در دستیابی به اهداف جنگ
- ۱۳۴ ک- نتیجه گیری
- ۱۳۶ منابع فصل سوم

* * فصل چهارم - سیاست اوباما در افغانستان * *

- ۱۴۱ الف- مقدمه
- ۱۴۱ ب- رئوس کلی سیاست خارجی اوباما
- ۱۴۴ ج- رویکردهای اوباما در جنگ علیه تروریسم در خاورمیانه
- ۱۴۵ د- رویکرد اوباما در افغانستان
- ۱۴۷ ۱- استراتژی کلان آمریکا: تغییر مفهوم و جغرافیا
- ۱۵۰ د- استراتژی افغانستان - پاکستان (Af-Pak)
- ۱۶۲ هـ- شکل گیری استراتژی ضد شورش
- ۱۷۱ ۱- مکاتب سه گانه در زمینه جنگ افغانستان
- ۱۷۱ ۱-۱- مکتب رزمی
- ۱۷۵ ۱-۲- مکتب حکومت داری
- ۱۷۸ ۱-۳- مکتب تکنولوژی
- ۱۸۲ و- مذاکره با طالبان
- ۱۸۶ ۱- استفاده از همکاری همسایگان افغانستان
- ۱۸۶ ز- استراتژی خروج نیروها از افغانستان

۱۹۱	ح-پیشینه و روند پیمان امنیتی بین آمریکا و افغانستان
۱۹۷	۱-مقدمه پیمان امنیتی و دفاعی کابل-واشنگتن
۲۰۱	۲-اهمیت موافقت نامه امنیتی برای آمریکا
۲۰۴	۳-شروط افغانستان برای انعقاد پیمان استراتژیک با ایالات متحده
۲۰۵	۳-۱-توقف عملیات شبانه نیروهای خارجی در افغانستان
۲۰۶	۳-۲-از میان برداشتن زندان‌های بین المللی
۲۰۶	۴-هدف افغانستان از عقد پیمان امنیتی با آمریکا
۲۰۷	۵-ابعاد ترافیک امنیتی آمریکا و افغانستان
۲۰۷	۵-۱-حوزه نظارتی
۲۰۹	۵-۲-حوزه امنیتی
۲۱۰	۵-۳-حوزه اقتصادی-اجتماعی
۲۱۱	۶-نقاط ضعف و قوت توافقنامه امنیتی برای افغانستان
۲۱۱	۶-۱-نقاط مثبت
۲۱۴	۶-۲-نقاط ضعف
۲۱۸	۷-پیامدهای امضای توافقنامه امنیتی دو جانبه
۲۱۹	۷-۱-پیامدهای سیاست داخلی
۲۱۹	۷-۲-پیامدهای سیاست بین المللی
۲۲۰	نتیجه گیری

۲۲۲

منابع فصل چهارم



فصل پنجم - نتیجه گیری



۲۲۹

نتیجه گیری



پیوست ها



۲۴۱

پیوست ها

۲۴۱

کتب

۲۴۴

مقالات

۲۵۰

Books

۲۵۴

سایت اینترنتی

www.ketab.ir

مقدمه ناشر

با گذشت هر روز از حضور امریکایی ها در افغانستان، سوالات پیرامون سیاست های این کشور در افغانستان بیشتر و بیشتر می شود. در خود افغانستان دیدگاه های کاملاً متفاوتی در این زمینه وجود دارد. عده ای با دیدی سپاسگزارانه به امریکایی ها می بینند، امریکا را به عنوان عامل صلح و ثبات می شناسند و به کمک های این کشور با دیده قدر می نگرند. و عده ای دیگر بر این باورند که امریکایی ها سیاستی فریب کارانه در قبال افغانستان دارند و به آینده ی افغانستان به عنوان کشوری مستقل و آزاد، نگاه نمی کنند.

با این حال، آمریکا و افغانستان دو کشوری اند که در سال های اخیر مهد توجه رسانه ها و کشورهای بزرگ جهان قرار گرفته اند. از نگاه غربی ها؛ افغانستان به عنوان منبع تروریسم و امریکا به عنوان ابرقدرتی که به مبارزه با تروریسم پرداخته، شناخته می شوند. با تقسیم بندی دوره های مختلفی که نظام بین الملل پشت سر گذاشته می توان روابط بین این دو کشور را نیز مورد بررسی قرار داد. در ادامه نظام بین الملل تاکنون چهار دوره سپری شده است:

الف: چندقطبی بودن نظام بین الملل یا حاکمیت پارادایم توازن قوا (۱۹۱۹-۱۹۴۵)، در این دوره روابط بین دو کشور روابط اقتصادی بوده است.

ب: دوقطبی شدن نظام بین الملل یا دوران جنگ سرد (۱۹۴۵-۱۹۸۹)، در این دوره روابط بین دو کشور ماهیت سیاسی داشته است.

ج: دوران گذار یا دوران خاموشی (۱۹۸۹-۲۰۰۱)، در این دوره افغانستان شاهد جنگ های داخلی و شکل گیری نظام طالبان بوده و از فکر و اندیشه

امریکا دور مانده است.

د: تک یا چندقطبی شدن نظام جهانی بعد از یازدهم سپتامبر که در این دوره روابط بین دو طرف همه‌جانبه و استراتژیک است. به‌صورت کلی افغانستان در سه دوره تاریخی مورد توجه ایالات متحده قرار گرفته است.

جنگ جهانی دوم در دهه ۱۹۴۰، جنگ سرد در دهه ۱۹۸۰، حملات تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۱۱.

س: سیاست خارجی آمریکا در افغانستان بعد از یازدهم سپتامبر

بعد از یازدهم سپتامبر ایالات متحده آمریکا ائتلاف بین‌المللی مؤثری برای پاسخ به تهدیدات تروریسم ایجاد کرد. آمریکا با استفاده از محکومیت عملیات تروریستی یازدهم سپتامبر توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد و سایر کشورها عملیات نظامی خود را علیه طالبان و القاعده آغاز کرد و با استناد به اصل ۵۱ از قانون اساسی، حاکم منشور سازمان ملل متحد این حمله را مشروعیت داد.

بعد از یازدهم سپتامبر روابط آمریکا و افغانستان وارد مرحله جدیدی شد. محافظه‌کاران و دولت بوش برای ایجاد جهان تک‌قطبی و تثبیت رهبری هژمونیک آمریکا بر منطقه و جهان، شکل جدیدی به خود گرفتند که این امر زمینه ائتلاف امریکایی با متحدان اروپایی‌اش در شکل‌دهی حرکت ضد تروریستی را فراهم کرد.

در نشست‌های مختلفی که هر دو کشور با یکدیگر داشته‌اند، هر کدام به دنبال اهداف و منافع خود بوده‌اند. برگزاری اجلاس بن برای هر دو کشور دستاوردهایی داشت: امضای توافقنامه بن برای افغانستان پیامد امنیتی، توسعه‌ی و بازسازی و برای آمریکا حضور فعال جانب مقابل در

سطح منطقه بود. این نشست برای امریکا زمینه خوبی برای حضور در منطقه و نظارت و تعقیب رقیبان سیاسی، نظامی و اقتصادی‌اش بود.

براساس توافق‌نامه لیسبون در سال ۲۰۱۰، از سال ۲۰۱۱ مرحله به مرحله مسئولیت‌های امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای افغان واگذار شود و با شروع این روند خروج نیروهای خارجی از افغانستان هم آغاز شود. طبق گزارش مرکز تحقیقات بین‌المللی کندی، ایالات متحده، ۷۰۰ تا ۸۰۰ بار خانه رمینی، دریایی و جاسوسی در خارج از امریکا دارد.

ایالات متحده امریکا در افغانستان استراتژی بلندمدتی را دنبال می‌کند؛ استراتژی دهه اول که مربوط به سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱ است که با مساعدت نقدی به مبارزین رقیب سیاسی و نظامی خود یعنی روسیه را درهم شکست و به این ترتیب زمینه حضور بعدی خود را در جنوب آسیا و آسیای میانه مهیا کرد. در دهه دوم که به سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ برمی‌گردد، افغانستان برای ایالات متحده شهری فراموش شده بود و در دهه سوم که سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ را در بر می‌گیرد افغانستان مهد توجه امریکا و جامعه جهانی قرار می‌گیرد این دوره، دوره هجوم نیروهای امریکایی است که با بهانه جنگ با تروریسم وارد افغان‌ستان شدند. البته باید یادآور شد که این تنها بهانه‌ای برای حضور امریکا در منطقه و خصوصاً افغانستان بود؛ چرا که رقیب سیاسی‌اش روسیه نیز از سال‌های سال، فکر تسخیر افغانستان را در سر داشت اما در دستیابی به این هدف ناکام ماند.

استراتژی دهه چهارم مربوط به برگشتن نیروهای اضافی امریکا به کشورشان و استقرار ۳۰ تا ۵۰ هزار سرباز امریکایی در ۵ تا ۷ پایگاه دائمی در افغانستان از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱ را دربر می‌گرفت اما به دلیلی که

این توافق‌نامه در سال ۲۰۱۴ به امضای افغانستان رسیده، از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ را دربر خواهد گرفت.

اگر نگاه دقیقی به دههٔ فراموشی افغانستان از نظر ایالات متحدهٔ آمریکا داشته باشیم متوجه این امر می‌شویم که ظهور و رشد طالبان زمینه‌ای برای حضور دهشت‌افکنی در افغانستان است. آمریکا سیاست‌وزری خاصی را نسبت به کشورهای دوست و رقیب خود دارد. روابط آمریکا برای کشورهای دوست و دشمن تعریف شده است.

امریکا با کشورهای رقیب خود رقابت دارد و روابط دوستانه‌اش با کشورهای دوست هم در قالب روابط دوستانه و اساساً برای تقویت و نفوذ آمریکا به عنوان یک ابرقدرت و نمایش نیروی نظامی‌اش به رقیبان سیاسی، اقتصادی و نظامی‌اش است. روابط دوستانه‌ای که امروزه آمریکا با افغانستان دارد نیز مشابهی است که از سوی ابرقدرت جهانی تهیه و تعقیب می‌شود و در حقیقت با شرایطی که افغانستان دارد نفع چندانی برای افغانستان ندارد و نخرها داشت؛ چرا که افغانستان از لحاظ سیاسی به سطحی نرسیده که بتواند از فرصت‌های سیاسی بهترین استفاده را برای بهبود و توسعه خود کند، اما - کرمات افغانستان به علت ضعف شدید حکومتداری، اقتصاد و فرهنگ و عدم وجود زیرساخت‌های اقتصادی و انحصارشدن در بازوان مافیای داخلی و خارجی اراده و توانایی رد رابطهٔ دوستانهٔ آمریکا را ندارد.

افغانستان با معین‌نبودن خطوط اساسی سیاست خارجی مستقل در قبال آمریکا و هم‌پیمانش هرگز موفق به استفاده و تأمین منافعش از این رابطهٔ دوستانه را مانند آمریکا ندارد. آمریکا با حضورش در منطقه توانسته است تا حد زیادی به کشورهای رقیبش مانورهای سیاسی و

نظامی بدهد و رقیب اقتصادی‌اش را نیز زیر نظر بگیرد و این مسایل همه منافع است که ایالات متحده از حضورش در افغانستان به دست آورده است. وجود طالبان و مواد مخدر در افغانستان بهانه‌ای برای حضور نیروهای خارجی در افغانستان است تا از این طریق به اهدافی که در سر دارند برسند.

نیروهای خارجی خود از منبع مواد مخدر تأمین می‌شوند و سیاست مواد مخدر، سیاستی است که با استفاده از آن نیروی جوان جامعه را فلج ساخته و مانع از آگاهی و هشیاری آنان می‌شوند و مافیای داخلی را نیز با پرداخت سود چری ساکت می‌سازند. افغانستان فقط از راه معاهدات بین‌المللی می‌تواند، نافع خود را تأمین کند و این در صورتی امکان خواهد داشت که خطوط کلی سیاسی افغانستان به درستی تعریف و بعد از آن تطبیق شود و این نیاز به رهبری با تدبیر و آگاه دارد که بتواند در پرتو معاهدات نیازهای اساسی افغانستان را تشخیص و تأمین کند؛ اما متأسفانه انحصار قدرت در افغانستان طوری است که هرگز قدرت به دست چنین رهبر با تدبیر نمی‌افتد و اگر چنین رهبری ظهور هم کند، مافیای قدرت بازوانش را بسته خواهد کرد. به هر صورت تا آنجا که مشاهده می‌شود روابط بین هردو کشور در قالب روابط با دستانه سیاسی است؛ اما افغانستان در تعیین سیاست و استفاده از آن ناکام بوده است.

پژوهش حاضر که حاصل تلاش علمی برادر گرامی جناب آقای سعید ناصری در دوران تحصیل در دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه و با راهنمایی علمی جناب آقای دکتر محمدحسن شیخ الاسلامی است به بررسی سیاست خارجی آمریکا در زمان جرج بوش و اوباما

پرداخته و نسبت به موضوع افغانستان تفاوت‌ها و شباهت‌های دوران دو رئیس‌جمهور از سال ۲۰۰۱ تا انتهای سال ۲۰۱۵ را برای علاقه‌مندان به رشته تحریر در آورده است.

بدیهی است این اثر نیز برای اندیشمندان و خرد ورزان عرصه علم و سیاست خالی از اشکال نبوده و برای اثربخشی و غنای آن نیازمند ارشاد و راهنمایی شما اصحاب قلم می‌باشد.

والسلام

انتشارات مقاومت - زمستان ۱۳۹۴